

ضمن هدیه دادن ملزومات حجاب به بهانه مناسب های مذهبی، با دختران ارتباط می گیریم.

در واقع با تمرکز روی نقاط مشترک مثل اسلام، فطرت پاک انسان، ایرانی بودن، لزوم رعایت قانون و حضور مؤدبانه در اجتماع (به عنوان حق الناس و نشانه شرافت) شروع می کنیم و به لزوم رعایت پوشش مناسب می رسیم و در آخر هم معمولاً مشتاقانه با همان پوشش محجبه شان عکس یادگاری می گیرند. با افرادی هم که فکر می کنیم احتمال مخالفت و پذیرش نشدنشان زیاد است، در قالب مصاحبه برای تحقیق وارد می شویم؛ با طرح سؤالاتی عمومی مثل اینکه هر کس را در قفسه خود می گذارند، یعنی چه؟ نظرت درباره انتقاد و پیشنهاد کردن چیست؟

این بانوی خوش فکر که ایده هایی چون احداث چایخانه همراه با میز عفاف و حجاب در سطح شهر، کافه سینما و کافه گفت و گو برای بانوان نومحجبه و مادران نگران، تمرکز روی شناخت و جبران خلأهای نوجوانان در زمینه های روحی روانی، اجرای چالش چادر و... را ارائه داده است، اخلاص، تقوا، توکل و توسل را رمز موفقیت آمران معروف می داند و ضمن تأکید بر پرهیز متدینان از بی تفاوت بودن به وضع موجود، یکی از خاطرات ماندگارش را تعریف می کند: «در فرودگاه در حالی که حمایل "ناظر حجاب" داشتم، از کنار صندلی هارد می شدم که متوجه شدم خانمی دارد درباره من با یک مهماندار صحبت می کند؛ محترمانه و با اشاره خواستم حجابش را رعایت کند که زیر لب با حس تنفر چیزی گفت؛ من باز هم اهمیت ندادم و مشغول کارم بودم که ناگهان دیدم از پشت سر یک نفر مرا برگرداند و در آغوش گرفت در حالی که به شدت گریه و عذرخواهی می کرد؛ توضیح داد که بعد از مواجهه اش با من، به امام رضا^ع گفته بود که اگر پرواز مادرش به مشهد جور شود، هر چه این خانم بگوید، گوش می دهم... به انتخاب خودش همان جایک روسری برایش خریدم و راهی منزل شد. نیمه شب هم پیام داد که توبه کرده ام؛ هم کارم را که کاشت ناخن و پروتز و... بود، کنار گذاشتم هم چادری شدم».



هدیه سفر کرپلا

مرضیه مهریزی مادری ۴۲ ساله از دیگر بانوان فعال حوزه حجاب و عفاف شهرمان است که با دغدغه یاری امام زمان (عج) وارد این عرصه شده است و توانسته دل های بسیاری را متوجه ایشان کند؛ او که طی هفت سال گذشته، مدیریت تشکل حفظ فرهنگ حاج قاسم و کانون عقیده را برعهده گرفته است، می گوید: «از کودکی همیشه برایم سؤال بود که چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟

آیا واقعا ۱۳۱۳ یار هنوز برایشان پیدا نشده یا خودشان نمی خواهند بیایند؟ در سی سالگی عمیقاً پی بردم که دلیل تأخیر ظهور حضرت، گناهان ما مسلمانان است؛ همان روزها خیلی اتفاقی متنی به ذهنم رسید درباره اینکه ناخودآگاه داریم با امام زمان (عج) چه می کنیم؟! فوراً نوشتیم و طراحی و چاپ شد تا با عنوان دل نوشته مهدوی به بهانه های مختلف دست مردم برسد. تا چشمشان به برگه می افتاد، به پهنای صورت اشک می ریختند و نظرشان را زیر متن برایمان می نوشتند؛ در قالب این طرح که هفت سال است در پارک ها، مجتمع های تجاری و مترو انجام می شود تاکنون ۲ هزار دل نوشته به دستمان رسیده که در آن قول داده اند محجبه یا نمازخوان شوند یا آقایان نوشته اند که بیشتر کنترل چشم خواهند داشت یا بخشی از درآمدشان را در راه امام صرف می کنند».

او با شور و حالی وصف ناپذیر در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده است ادامه می دهد: «وقتی مشغول نوشتن دل نوشته ها هستم اغلب می گویند فکر می کنیم امام کنارمان هستند و داریم با خودشان صحبت می کنیم؛ ما هم بلافاصله از غربت امام و تنها بودنشان می گوئیم، گفت و گو به اینجا که می رسد، بغضشان می ترکد؛ می پرسیم دوست دارید اینجا چه قراری با امام بگذارید؟ پاسخ می دهند قول می دهم چادری شوم و هر کاری می کنم یاد امام باشم؛ تا حالانمی دانستیم مانع ظهور حضرت هستیم، کاش همه مثل شما معروف ونهی از منکر می کردند. آن قدر حال خوبی پیدا می کنند که دل کنند از آنجا برایشان سخت است و دوست دارند بمانند بیشتر صحبت کنیم. حتی برخی آقایان می آیند برای محجبه شدن خانمشان تشکر می کنند. از طرفی فقط به این مرحله بسنده نمی کنیم بلکه برای تعمیق عقاید و باورها آگاهی از احکام، هیئتی با حضور همین افراد که دل نوشته داده اند راه انداخته ایم با عنوان نوجوانان اندیشه ورز؛ به این ترتیب خانم هایی که تا دیروز پوشش های عجیب غریب داشتند هیئتی و اغلب میزگردان می شوند و دوستانشان را هم دعوت می کنند».

از دیگر ابتکارات خانم مهریزی و همکارانش که نتیجه خوبی به دنبال داشته است، انجام قرعه کشی کرپلا یا هدیه بن خرید از میان نویسندگان دل نوشته هاست؛ بعد از هدیه دادن روسری متبرک به کسانی که قول می دهند محجبه

شوند، برایشان آرزو می کنند جزو برندگان قرعه کشی سفر کرپلا باشند که هزینه اش با پیگیری های مجدانه خانم مهریزی و کمک خیران تأمین می شود و تاکنون به ۱۴۰ سفر رسیده است.

به همسرشان تبریک می گوئیم

مدیریت تشکل شهید مهدی مهدی نیا، مدیریت بانوان طرح زیست عفیفانه حرم مطهر، معاونت اول آموزش سلیبی جبهه زیست عفیفانه و... این ها برخی از عناوین مسئولیت های مادری پنجاه ساله با چهار فرزند و پنج نوه است که تا همین سه چهار سال پیش، سالن زیبایی داشت؛ البته نه از آن سالن های امروزی؛ بلکه همان جا هم متفاوت عمل می کرد مثلاً چادر نماز مخصوص برای مشتریان در نظر گرفته و مقید بود عروس ها پیش از شروع کار، وضو بگیرند که بعداً مشکلی برای نماز نداشته

باشند، حواسش به نوع پوشش آن ها حتی بعد از خروج از سالن بود؛ خودش تا دم ماشین همراهی شان می کرد تا خیالش راحت باشد و این اواخر هم در صدد طراحی شلوار مخصوص عروس برای راحتی پوششان بود که قسمت نشد اجرایی شود؛ «تا سال ۱۴۰۱ به صورت فردی در سالن یا راهپیمایی ها و تجمعات فعالیت داشتم ولی بعد از آن به این نتیجه رسیدم که کار گروهی لازم است از این روالان راجع کرده و وارد گروه های امریه معروف شدم». خانم فرجام که تاکنون علاوه بر هزینه های مالی در این مسیر، آسیب های فیزیکی هم دیده ولی همچنان با انگیزه پای کار است، تأکید می کند که در همه طرح ها سعی مان این است که افراد خودشان به ضرورت پوشش مناسب برسند.

یکی از خلاقیت های او و گروهش این است که در غرفه مترو، هم زمان با پخش موزیک های مناسبی و پذیرایی خرما یا شکلات، به افراد پیشنهاد فال (رزق) شهدایی می دهند که با استقبال و نتایج خوبی مواجه شده است؛ «در این کارت ها اغلب پیام هایی از شهدای جوان و مدافع حرم است که خانم ها معمولاً بعد از مشاهده آن اشک می ریزند و می پرسند واقعا این گفته شهید است؟ این شهید برای ما رفته است؟ بعد هم همان جا به شال و روسری شان گیره می زنند؛ حتی مواردی بوده که گفته اند دیگر خجالت می کشم با این پوششم راه بروم، چطور به منزل برگردم؟! طرح دیگرمان هم مختص خانم های محجبه است؛ زیراتقویت بازوی خودی هم اهمیت دارد و نباید از آن ها غافل بود؛ خصوصاً در مراکز خرید وقتی می بینیم خانم های چادری کنار همسرشان با نوعی حس انزوا و اذیت راه می روند (آن لحظه در مقایسه با خانم های کم حجاب احساس کمبود دارند)، می رویم جلو و به همسرش برای داشتن چنین خانم محجبه ای تبریک می گوئیم و به خانم هم یادآوری می کنیم که چادر شما اسلحه تان در جنگ نرم است تا خودش و نقشش را دست کم نگیرد؛ بعد هم با دعای خیر و حال خوبی که پیدا کرده اند، بدرقه شان می کنیم».

